

تأثیر بازتولید داعش در کشور عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمدجواد هراتی*

محمدجواد قربی**

چکیده

فعالیت گروه تروریستی-تکفیری داعش در عراق، محیط راهبردی ایران را تحت تأثیر قرار داد و به دلیل قرار گرفتن ایران و عراق در یک مجموعه امنیتی، حضور مجدد این جریان تروریستی بر ابعاد امنیتی جمهوری اسلامی ایران تأثیرات منفی خواهد داشت. مقاله حاضر با در نظر گرفتن این موضوع و با بهره‌گیری از چارچوب نظری «مجموعه امنیت منطقهای» سعی در پاسخ به این سوال داریم؛ تهدیدات امنیتی ظهور مجدد داعش در کشور عراق برای جمهوری اسلامی ایران چه خواهد بود؟ برخی از یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ظهور مجدد گروهک تروریستی داعش در کشور عراق منجر به بروز تبعات امنیتی نظیر؛ تضعیف گفتمان شیعی در عراق، تغییر موازنه قدرت در منطقه، حضور نظامی آمریکا در منطقه، احتمال همسویی نظم جدید در کشور عراق با رژیم صهیونیستی، تأثیرپذیری گروه‌های تجزیه‌طلب در نواحی مرزی ایران،

* دانشیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول: harati@basu.ac.ir).
** دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشکده امام خمینی (ره).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۹

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و پنجم، صص ۱۴۷ - ۱۲۱.

افزایش تسلیحات و نیروهای نظامی غربی در منطقه، کاهش توجه کشورهای اسلامی به موضوع رژیم صهیونیستی، درگیری داخلی بین گروه‌های اسلامی و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در محیط امنیتی آسیای غربی، تخریب عمق استراتژیک و توانمندی الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و ... برای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: جمهوری اسلامی، امنیت منطقه‌ای، داعش، الهام‌بخشی، کشور عراق، تسلیحات نظامی، گفتمان شیعی، رژیم صهیونیستی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دولت‌ها در مناسبات بین‌المللی، در راستای دستیابی به منافع ملی^۱ خود و یا جلوگیری از به خطر افتادن امنیت و ثبات کشور خود، اقدام به محدود کردن اثرپذیری خود از گروه‌های تروریستی می‌کنند. در این میان، داعش^۲ خشن‌ترین تشکیلات تروریستی در بین همه گروه‌های مسلح برجسته در منطقه خاورمیانه است که پس از ظهور آن در عراق و سوریه تبعات مختلفی در خاورمیانه و سپس در اغلب نقاط دنیا به همراه داشت. کشورهای گوناگونی نیز با پدیده داعش درگیر شده و به ناچار در مقابل آن به تدابیر مختلفی دست زدند. در این میان جمهوری اسلامی ایران به طور مستقیم با داعش در تقابل قرار گرفت؛ زیرا داعش علاوه بر اینکه تمامیت ارضی و رژیم‌های سیاسی متحدان منطقه‌ای ایران را به چالش کشید؛ تهدید امنیتی^۳ و ایدئولوژیکی برای ایران نیز به شمار می‌رفت (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۴۵). محمد ایوب^۴ اعتقاد دارد بحران عراق و کنشگری گروه‌های تروریستی داعش در این کشور بر کشمکش داخلی اسلام‌گرایان در قالب شیعه-سنی افزوده و ضمن افزایش ناامنی منطقه‌ای، احتمال متلاشی شدن خاورمیانه را از درون زیاد می‌داند (ایوب، ۱۳۹۴: ۴۸). این موضوع در حالی است که منطقه غرب آسیا، دوره‌ای پر از تنش و آشوب همراه با جنگ، خشونت و اختلافات مذهبی و قومی را تجربه می‌کند و برای ترسیم افق امنیتی منطقه غرب آسیا پس از بحران جریان‌های تکفیری-تروریستی ضروری است رفتار اسلام‌گرایان در منطقه را در سه محور اصلی مورد مشاهده قرار داد؛ نخست، افراط‌گرایی و خشونت با پیدایش جریان‌های نوظهور تکفیری مانند داعش. دوم،

1. National Interest
2. ISIS (Islamic State of Iraq and Syria) & ISIL (Islamic State of Iraq and the Levant)
3. Security Threat
4. Mohammed Ayoub

عدم توانمندی حفظ قدرت و حاکمیت توسط جریان‌های اصیل و ریشه‌دار اسلام سیاسی مانند اخوان المسلمین و سوم؛ تغییر در کنشگری جبهه مقاومت (ایزدی و اکبری، ۱۳۹۵: ۴۵). توجه به مولفه‌های سه‌گانه فوق‌گواهی بر شکل‌گیری تهدیدات امنیتی برای امنیت منطقه‌ای و در محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که دستاورد آن می‌تواند خطر ایجاد نظم سلفی در کشورهای هم‌پیمان جمهوری اسلامی و تضعیف عمق راهبردی ایران در کشورهایی نظیر عراق باشد. بعد از شکست فیزیکی داعش در کشور عراق، اما بازمانده‌های این گرایش افراطی مترصد بازپس‌گیری مناطقی از این کشور هستند. با توجه به اهمیت تلاش مجدد داعش برای استقرار در خاک عراق، مقاله حاضر تلاش دارد تبعات امنیتی ظهور مجدد گروه تروریستی داعش در کشور عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای به این سوال پاسخ دهد که؛ ظهور مجدد گروه تروریستی داعش در کشور عراق چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

باید توجه داشت که مجاورت بین دو کشور ایران و عراق، وجود اقوام و اقلیت‌های دینی مشترک در نواحی مرزی میان دو کشور، قرار گرفتن در محور مقاومت و رابط بودن عراق بین ایران و سوریه، اشتراکات مذهبی، حضور نیروهای نظامی غرب در عراق، تامین امنیت رژیم صهیونیستی و امکان روی کار آمدن دولت همسو با سیاست‌های غرب و رژیم صهیونیستی در عراق و ... همگی مواردی هستند که به عنوان سناریو در زمان ظهور مجدد داعش در کشور عراق به وقوع خواهد پیوست. به هر روی برای تبیین این موضوع از نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بهره خواهیم برد.

۱. چارچوب نظری

بعد از جنگ سرد، منطقه‌گرایی به عنوان یک چشم‌انداز نظم امنیتی شناخته شد. منطقه به عنوان یک واحد جغرافیایی است که از چندین کشور تشکیل شده که حدود آن براساس مرزهای فیزیکی و ویژگی‌های ایدئولوژیک تعیین می‌گردند. در واقع برای شکل‌گیری یک نظام منطقه‌ای چندین متغیر لازم است از مهمترین متغیرها وضعیت جغرافیایی است. همجواری چند کشور، مرزها، وسعت و ... عناصر جغرافیایی هستند که براساس آنها منافع مشترک یا متضادی را برای کشورهای منطقه ایجاد می‌کند از

جمله متغیر دیگر هویت است. عوامل مختلف ایدئولوژیکی و سیاسی در پیدایش هویت یک منطقه نقش مهمی را ایفا می‌کند. شباهت‌ها و تضادها پیش‌زمینه شکل‌گیری نظام منطقه‌ای را فراهم می‌کنند. از دیگر متغیرهای تاثیرگذار بر شکل‌گیری نظام‌های منطقه‌ای نیازهای اقتصادی کشورهای یک منطقه به یکدیگر و پیوندهای فرهنگی، قومی، مذهبی و تاریخی است که در پیدایش نظام‌های منطقه‌ای نقش زیربنایی را دارند. لوئیس فاست معتقد است کشورها در روند منطقه‌گرایی به دنبال قدرت و امنیت هستند و در جهت بقای نظام خود با دیگر کشورها همکاری می‌کنند. دولت‌های نیرومند و قوی منطقه بنیان‌گذاران روند منطقه‌گرایی هستند و دولت‌های کوچک به دنبال دستیابی به مزایای همکاری‌های منطقه‌ای که حداقل‌ترین آن تامین ثبات و امنیت است، هستند (آدرش، ۱۳۹۴: ۱۵-۶).

از لحاظ امنیتی، منطقه به معنای شبه‌سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۳). مایکل اسمیت (Smith, 2001) سه گونه منطقه‌گرایی را مشخص کرده است؛ همگرایی منطقه‌ای، فراملی‌گرایی منطقه‌ای و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای. همگرایی منطقه‌ای مبتنی بر تشدید و نهادینه شدن وابستگی متقابل می‌باشد و یکی از برجسته‌ترین نوع منطقه‌گرایی محسوب می‌شود. همگرایی منطقه‌ای، پیوند نزدیکی با فراملی‌گرایی منطقه‌ای دارد؛ زیرا بسیاری از منافع و فرایندهای منطقه‌ای در حوزه فراملی هستند. در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نیز ثبات و امنیت منطقه‌ای، عنصر اساسی منطقه‌گرایی است. از این رو، ثبات و امنیت منطقه‌ای یکی از کانون‌های اصلی منطقه‌گرایی محسوب می‌شود. به‌ویژه در منطقه پرمنازعه‌ای همچون خاورمیانه که امنیت و ثبات آن با امنیت جهانی پیوند خورده است، درک پویای امنیتی منطقه برای تجزیه و تحلیل چشم‌انداز و مشکلات شکل‌گیری رژیم امنیتی منطقه‌ای یا جامعه امنیتی در منطقه بسیار اهمیت دارد. بنابراین، در این بخش از میان سه گونه منطقه‌گرایی، «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» برای خاورمیانه مناسب‌تر می‌باشد. مجموعه امنیتی منطقه‌ای عبارت از تعدادی از واحدهایی است که فرایندهای عمده امنیتی شدن و غیرامنیتی شدن، یا هر دوی آنها، طوری با مسایل امنیتی‌شان پیوند خورده است که این واحدها نمی‌توانند مسایل امنیتی خود را بدون توجه به دیگر واحدهای منطقه تجزیه و تحلیل یا حل‌وفصل

نمایند.» (Harders & Legrenzi, 2008: 90-91) تحولات جاری در منازعات کشور عراق و فعالیت گروه‌های تروریستی در خاورمیانه نشان می‌دهد، نمی‌توان اهمیت نامنی‌های خاورمیانه برای سیاست جهانی را نادیده گرفت (بیلگین، ۱۳۹۳) و این مجموعه امنیتی در محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران دارای مولفه‌های اصلی زیر است؛

۱-۱. مجاورت و نزدیکی جغرافیایی

مجاورت و نزدیکی جغرافیایی برای تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای لازم می‌باشد (لیک و مورگان، ۱۳۸۱: ۵۳)؛ البته برخی اعتقاد دارند که این نزدیکی و تعاملات امنیتی می‌تواند به صورت غیرمستقیم باشد (پوستین‌چی، ۱۳۸۷: ۸۵). جمهوری اسلامی ایران به دلیل نزدیکی و وجود مرز خشکی طولانی با کشور عراق، از تحولات و رویدادهای این کشور تاثیر می‌پذیرد و وجود نامنی در این کشور می‌تواند به نزدیکی مرزهای ایران رسوخ کند.

۱-۲. حضور قدرت‌های بزرگ

در مجموعه‌های امنیتی عموماً دو یا چند قدرت بزرگ حضور دارند که علی‌رغم دوری فیزیکی از مکان هندسی مجموعه امنیتی، امکان اعزام نیروهای مسلح را دارا می‌باشند (Hoaglan, 2005: 135). در حوزه تحولات کشور عراق و کنشگری داعش، دو دسته از قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای حاضر هستند که موضع‌گیری‌های متفاوتی دارند. برخی از قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا، فرانسه و کشورهای اتحادیه اروپا خواهان تغییر نظم موجود در منطقه و تغییر قدرت در کشور عراق می‌باشند و در نقطه مقابل، قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر روسیه و چین از حفظ وضع موجود در عراق حمایت می‌کنند. در حوزه قدرت‌های منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران از دولت قانونی عراق حمایت کامل می‌نماید و این در حالی است که خیلی از قدرت‌های ارتجاعی و غیرقانونی منطقه نظیر رژیم صهیونیستی، عربستان، ترکیه و ... از فعالیت گروه‌های تروریستی-تکفیری حمایت می‌کنند.

۱-۳. وابستگی متقابل امنیتی

منظور از وابستگی متقابل امنیتی آن است که تغییر و تحول امنیتی در هر یک از

واحدهای مجموعه بر دیگر واحدها نیز تأثیر می‌گذارد. همچنین وابستگی متقابل امنیتی می‌تواند مثبت (ایجابی) و یا منفی (سلبی) باشد؛ ناامنی در یک مجموعه موجب ناامنی در مجموعه دیگر گردد یا ازدیاد قدرت در یک واحد تأثیر مثبت بر روی امنیت واحد دیگر داشته باشد. در مجموعه امنیتی منطقه‌ای، دولت‌های موجود در آن مجموعه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و تأثیر می‌پذیرند؛ از این رو بحث امنیت آنها به هم وابسته است. از نظر بوزان، مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که شبکه‌ای از روابط متقابل امنیتی، گروهی از کشورها را از سایرین جدا نموده و آن‌ها را به هم پیوند زده باشد. به طوری که شدت وابستگی متقابل امنیتی در میان اعضای مجموعه در مقایسه با واحدهای خارج از مجموعه بیشتر باشد. در واقع وجود ترس و نگرانی رقبا از یکدیگر از ملزومات مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای است (مرادی و شهرام‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۱). در خصوص ارتباط عراق و ایران بعد از سقوط رژیم بعثی و صدام حسین باید اذعان داشت که روابط حسنه میان دو کشور به گونه‌ای بوده است که قدرت و ثبات ملی در دو کشور، ضامن امنیت در کشور بوده و هرگونه عامل بی‌ثباتی و ناامنی در کشور عراق، منافع ملی ایران را تهدید می‌نماید. در همین راستا، حضور گروهک تروریستی داعش در کشور عراق به دلیل وابستگی متقابل امنیتی بین دو کشور ایران و عراق، بر ابعاد امنیتی ایران تأثیر می‌گذارد.

۴-۱. الگوی دوستی و دشمنی

یعنی طیفی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت، حفاظت و همچنین روابط سوءظن و هراس حاکم باشد. این الگوی دوستی و دشمنی بر خلاف نظریه نوواقع‌گرا، صرفاً تا حدودی به توازن قدرت ارتباط پیدا نمی‌کند، بلکه می‌تواند از اختلافات مرزی و ارضی، تمایلات قومی یک واحد نسبت به واحد دیگر، اختلاف یا اشتراکات ایدئولوژیک و ارتباطات مثبت و منفی تاریخی ناشی شود (سورتچی، ۱۳۹۲: ۱۸۷ و کرمی، ۱۳۸۰: ۵۷). البته باید توجه داشت که در مجموعه امنیتی خاورمیانه، الگوی دشمنی سبب گسترش امنیتی‌سازی و الگوی دوستی سبب گسترش امنیتی‌زدایی خواهد شد (Buzan, & Weaver, 2003: 491). در این راستا، مجموعه امنیت منطقه‌ای برای آنکه بتواند دوستی یا دشمنی خود با دیگر مناطق را ابراز کنند، نیازمند داشتن دولتی قوی هستند و بر این اساس مناطقی که دولت ضعیفی دارند، به عنوان مجموعه‌های ابتدایی فاقد ساختار در نظر گرفته

می‌شوند. هرج و مرج و بی‌قاعدگی منطقه‌ای موجب می‌شود تا دولت‌ها به رقابت روی آورند. در چنین حالتی، باز هم بحرانی‌ترین حالت بین مناطق مجاور خواهد بود. همین امر موجب می‌شود تا بیشترین تهدید دولت‌ها، متوجه همسایگان و مناطق نزدیک آنها باشد. دولت‌هایی که مشابه هم باشند، شروع به همکاری با هم می‌کنند و در طول زمان، دوباره الگویی از دوستی یا دشمنی بین آنها شکل می‌گیرد (Kelly, 2007: 197-229). قبل از سقوط صدام حسین در عراق، الگوی دشمنی بین دو کشور ایران و عراق پابرجا بود اما بعد از سقوط رژیم بعثی و حاکمیت دولت قانونی در سرزمین مجاور ایران، به دلیل اشتراکات هویتی، تاریخ مشترک و همگرایی فرهنگی میان دو کشور، سیاست‌های خارجی ایران و عراق به یکدیگر نزدیک گشت و الگوی دوستی میان دو کشور حاکم گشت و هر عاملی که این دوستی را از بین ببرد می‌تواند منافع و امنیت را برای دو کشور برهم بزند.

۲. تأثیر ظهور مجدد جریان تروریستی-تکفیری داعش در عراق بر امنیت ملی ج.ا.ایران

در این خصوص توجه به چند نکته حائز اهمیت می‌باشد؛ نخست، کشور عراق تأثیرپذیرترین کشور همسایه ایران است که به لحاظ ژئوپلیتیکی و اشتراکات مذهبی مورد توجه ایران می‌باشد (Esposito, 1990: 33). دوم، حضور شیعیان و اکراد در ساخت قدرت عراق جدید (بعد از صدام) و تغییر رویکرد «عربی-سنی» به «عربی-شیعی-کردی» در فضای سیاسی عراق؛ فرصت‌های به وجود آمده در این کشور را در جهت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. گروه‌های شیعی و کردی اکثریتی دارند که بیشترین تأثیر را در توسعه یا کاهش رابطه میان عراق و ایران ایفا می‌کنند و ائتلاف این دو گروه با وجود داعش و دخالت دیگر همسایگان عرب سنی این کشور، می‌تواند قوی‌ترین عامل همسوسازی سیاست‌های خارجی و منطقه‌ای عراق با ایران باشد (سهرابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۷) و کنار گذاشتن این سیاست و همسویی با استراتژی داعش در منطقه، امنیت مرزها، منافع استراتژیک و هویتی ایران و عمق راهبردی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سوم، اهداف آمریکا و دولت‌های غربی از هم‌سویی با داعش در کشور عراق نیز به منظور تضعیف و مهار قدرت ایران و ایجاد هرج و مرج در کشورهای ائتلاف مقاومت در جهت خدمت به منافع رژیم صهیونیستی است (نجات، ۱۳۹۴) و به همین

دلیل، بی‌توجهی ایران به تقویت محور مقاومت و رهایی از آسیب‌های امنیتی داعش در هلال شیعی می‌تواند ضمن تهدید آرمان رهایی قدس شریف، اتحاد استراتژیک ایران با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای را تضعیف نماید. چهارم، حمایت پشت پرده برخی از دولت‌های غربی و حکام عرب با محوریت عربستان می‌تواند تهدید داعش در کشور عراق را به یک جنگ فرسایشی مذهبی در منطقه تبدیل کند. ناامن کردن عراق می‌تواند با دو هدف بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار باشد؛ ایران درگیر مسائل داخلی عراق شده و همزمان دغدغه ذهنی خود را معطوف به دو جبهه یعنی سوریه و عراق نماید. در این صورت عراق به عنوان حائلی بین ایران و سوریه می‌تواند به فرسایش توان اطلاعاتی و نظامی ایران در منطقه بینجامد. با تشدید اقدامات نظامی در عراق، دامنه جنگ را به سمت مرزهای ایران کشانیده و در این جبهه نیز دغدغه ذهنی ایران را به حل تنش‌های احتمالی سیاسی و مذهبی در مناطق مرزی معطوف نماید (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). با این اوصاف، هر چند عراق جدید همانند گذشته یک تهدید نظامی نیست، اما همچنان زمینه‌های بالقوه هدایت تنش و ناامنی به حوزه امنیت ملی ایران را دارا می‌باشد. مسائل امنیتی در شرایط جدید عراق تغییری جدی کرده است؛ چالش‌های ناشی از رقابت گروه‌های مختلف قومی و سیاسی در داخل عراق و آثار زبان‌بار ناشی از بی‌ثباتی و جنگ داخلی، افراط‌گرایی، تفرقه‌های قومی و مذهبی و نهایتاً احتمال تجزیه این کشور از جمله چالش‌های جدید می‌باشند که از زوایه داخلی عراق وارد حوزه امنیت ملی ایران می‌شود (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۳) در ادامه به برخی سناریوهای احتمالی در حوزه امنیت بعد از قدرت‌یابی مجدد داعش در کشور عراق اشاراتی خواهیم داشت؛

۱-۲. تجزیه دولت‌های خاورمیانه (بالکانیزه کردن عراق) و تامین منافع رژیم صهیونیستی

روی کارآمدن دولت‌های مردم‌سالار در کشورهای انقلابی بعد از تحولات موسوم به بیداری اسلامی، رژیم صهیونیستی را علیرغم تضعیف گفتمانی و هویتی، با تهدیدات جدی امنیتی در حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی مواجه ساخت (Basol, 2011 & Esisc Team, 2011). وجود ماهیت اسلامی و ضدصهیونیستی این تحولات در کشورهای اسلامی، امنیت وجودی و هستی‌شناختی این رژیم را به دلیل شکل‌گیری

هویتی جدید به شدت تهدید نمود (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۹). این مسئله سبب گشت تا رژیم صهیونیستی و متحدانش به فکر حمایت از گروه‌های تروریستی مخالف نظم شیعی در منطقه باشند و منفعت خویش را در تجزیه دولت‌های خاورمیانه و اضمحلال قدرت نظامی و دفاعی کشورهای اسلامی می‌دانند. در همین راستا، بعد از کنشگری گروه‌های تکفیری-تروریستی نظیر داعش در منطقه، رژیم صهیونیستی ضمن حمایت‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی از گروهک داعش، خواهان سقوط دولت‌های همسو با سیاست‌های ایران و تغییر قدرت حاکمه از شیعیان به اهل سنت بودند.

رژیم صهیونیستی با استفاده از تحولات ژئوپلیتیک جدید منطقه درصدد دستیابی به اهداف دیرینه خود در منطقه خاورمیانه؛ یعنی ایجاد رژیم صهیونیستی بزرگ و عملی کردن ایده از نیل تا فرات است (Hersh, 2004) بدین منظور کردستان عراق می‌تواند این نقش را برای رژیم صهیونیستی ایفا کند. در این میان کردها و آرمان آنها برای کسب استقلال و ایجاد دولت مرکزی برای رژیم صهیونیستی اهمیت چندانی ندارد بلکه صرفاً می‌توانند زمینه‌ساز دستیابی رژیم صهیونیستی به اهدافش شود؛ حتی می‌تواند به مانعی اساسی برای دستیابی استقلال تبدیل گردد؛ چرا که حضور رژیم صهیونیستی در کردستان باعث ایجاد حساسیت گروه‌های داخلی عراق و کشورهای منطقه نظیر ایران و ترکیه نسبت به این مسئله شده است. با حضور داعش در عراق، نگاه و برنامه‌های نوین راهبردسازان صهیونیستی به شرایط بین‌المللی و محیط منطقه‌ای، تعریف‌ها و دستور کارهای جدیدی را پیش روی این رژیم قرارداد؛ چراکه رژیم صهیونیستی با سهم‌خواهی از جنگ خودخوانده خود در عراق، شمال عراق را که تحت حاکمیت دولت خودمختار کردستان است، مرکز ثقل حضور خود در عراق قرارداد تا بتواند جلوی یک دولت قدرتمند و یکپارچه از نظر سیاسی و نظامی در عراق باشد. تحقق این هدف، باعث کاهش تهدید علیه رژیم صهیونیستی و به هم خوردن موازنه قدرت در منطقه به نفع آن می‌شود (غرایق‌زندی و شاکری، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۳) و در عین حال، امنیت ایران از تغییرات موازنه قدرت نیز تهدید می‌شود.

طرح «اینان»^۱ یک طرح راهبردی رژیم صهیونیستی است تا برتری منطقه‌ای این رژیم را تضمین کند. این طرح تاکید و اصرار دارد که این رژیم باید محیط ژئوپلیتیکی

خود را از طریق بالکانیزه کردن کشورهای عربی به کشورهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر بازترسیم نماید. استراتژیست‌های صهیونیست، عراق و سوریه را بزرگ‌ترین مانع رهبری خود می‌دانند. به همین دلیل است که عراق به عنوان یک مرکز شروع بالکانیزه شدن خاورمیانه ترسیم و معرفی شد. در عراق بر مبنای طرح اینان، استراتژیست‌های صهیونیستی خواهان تجزیه عراق به کشور کردستان و دو کشور عربی هستند (یک کشور سنی و دیگری شیعه). اولین قدم به سمت اجرایی‌سازی این طرح، تحمیل جنگ بین ایران و عراق بود. نیروهای ناتو در سال ۲۰۰۸ و آمریکا در سال ۲۰۰۶ نقشه‌هایی را منتشر می‌کردند که دقیقاً از محتوا و شکل طرح اینان خبر می‌دهد و تبعیت می‌کند (التامی‌نیا، ۱۳۹۲: ۸۶-۸۵). حمایت از گروه‌های تروریستی افراطی در منطقه و کشور عراق در راستای طرح بالکانیزه کردن عراق و تامین امنیت ملی تل‌آویو و متحدان غربی آن در منطقه می‌باشد.

گروه‌های تکفیری-تروریستی با قدم نهادن در راه تجزیه کشورهای بزرگ خاورمیانه عملاً در راستای تامین منافع و امنیت صهیونیست‌ها گام برمی‌دارند. اقداماتی که گروه‌های تکفیری و تروریستی در عراق و کشورهای اسلامی دیگر راه انداخته‌اند؛ یعنی گسترش جنگ‌های داخلی، تبدیل دولت‌های مقتدر به شبه‌دولت‌های ناتوان و تجزیه احتمالی منطقه، بهتر و بیشتر می‌تواند منافع این رژیم را تامین کند. رژیم صهیونیستی مدت‌هاست که در راستای تجزیه کشورهای عربی فعالیت می‌کند و مراکز پژوهشی متعددی برای بررسی راهکارهای متعدد برای تجزیه و تقسیم این کشورها به راه انداخته است. مرکز دایان یکی از مهمترین این مراکز پژوهشی است که بخش عمده راهبردهای مورد بررسی در آن، به مسئله تجزیه کشورهای عربی برمی‌گردد. این مرکز سال‌هاست که اوضاع این کشورها و حضور گروه‌های طائفه‌ای و مذهبی مختلف را رصد می‌کند و گزارش‌های مورد نظر را در اختیار موساد قرار می‌دهد و توصیه‌های لازم برای نفوذ عناصر موساد به این گروه‌ها را ارائه می‌کند. بنابراین، خاورمیانه مطلوب از نظر صهیونیست‌ها، کشورهای کوچک و درگیر در بحران‌های داخلی است. صهیونیست‌ها دنبال بالکانیزه ساختن خاورمیانه است تا بتواند در آینده برنامه‌ریزی کند و در آن حضور پیدا کند. چیزی که در خاورمیانه مشاهده می‌شود، این است که تاکنون منافع این رژیم دستخوش تهدیدات مهم راهبردی نشده است؛ چرا که اتفاقاتی که از سوی برخی از گروه‌های تکفیری تروریستی انجام شده است، علیه ارتش دولت‌های مقتدر منطقه بوده است. لذا هرچه ارتش این کشورها تضعیف شود، به نفع

صهیونیست‌ها است و هرچه دولت‌های اسلامی در منطقه آسیای میانه و غربی، درگیر جنگ داخلی و گروهک‌های تروریستی شوند، این رژیم سود بیشتری می‌برد. لذا رژیم صهیونیستی از حضور گروه‌های تروریستی در هر شکلی استفاده می‌کند تا قدرت نظامی کشورهای عربی-اسلامی را تضعیف و آنها را درگیر مسائل داخلی نماید.

در عین حال، اقدامات تکفیری‌ها در کشور عراق زمینه تداوم و حضور نظامی ایالات متحده در عراق را فراهم می‌کند و این به معنای تامین منافع راهبردی تل‌آویو است؛ زیرا از زمان تشکیل آن تاکنون جلب حمایت و طرفداری قدرت‌های بزرگ، یک ستون دائمی راهبرد رژیم صهیونیستی بوده است و با حضور آمریکا در منطقه امکان تحقق این راهبرد تسهیل خواهد شد. دوم اینکه، اقدامات تکفیری-تروریستی‌های داعش در عراق سبب خواهد شد که کشورهای افراطی و مخالف آن در لاک دفاعی فرو روند و مشغول مقابله با بحران‌های داخلی گردند که نتیجه آن، توانایی کشورهای اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی افول می‌کند و تغییر معادله منطقه به نفع این رژیم خواهد بود و در نقطه مقابل، معادلات منطقه‌ای را به ضرر ایران تغییر خواهد داد و ملاحظات امنیتی برای ایران به ارمغان خواهد آورد (عبدخدایی و تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۶۵-۱۶۳).

با توجه به این نکته راهبردی، سرویس‌های جاسوی آمریکایی و صهیونیستی، نظامیان و شورشیان عراق را تجهیز نظامی و مالی می‌نمایند و بعد آنها را با یکدیگر درگیر نمودند. این متحدان استراتژیک در استخدام و بکارگیری، آموزش و تامین مالی گروه تروریستی داعش فعالیت زیادی دارند (Hidayat, 2014: 1-9). *مضامین الرشید* در این خصوص اذعان می‌دارد: «صهیونیست‌ها همواره به دنبال انحراف جنبش‌های اسلامی بوده‌اند. صهیونیست‌ها درصدد هستند با دگرسازی درونی در میان جهان اسلام، با تحلیل قوای درونی جهان اسلام و درگیرسازی درونی آنها، مانع تمرکز آنها در مقابله با اسرائیل شوند. این فرآیند باعث امنیت‌زایی بیشتر برای این رژیم و انحراف توجهات کشورهای منطقه از آن به عنوان خصم اصلی جهان اسلام در منطقه می‌شود. به نظر می‌رسد آمریکا نیز با تقویت این دگرسازی، درصدد ایجاد نوعی توازن منطقه‌ای در بین نیروهای منطقه‌ای و استفاده از این توازن برای مهار قدرت‌های منطقه‌ای به‌ویژه ایران است. اگرچه نظام بین‌المللی سلطه توانست بخش عمده‌ای از انرژی رها شده از انقلاب اسلامی را در جنگ تحمیلی علیه اسرائیل، مهار کند اما سرانجام گفتمان مقاومت بر گفتمان سازش میان

کشورهای عربی و این رژیم غلبه کرد. جهت‌گیری جریان تکفیری علیه مسلمانان تحت اولویت دشمن نزدیک، باعث مصونیت اسرائیل می‌شود. در اثبات این موضوع باید یادآور شد که تکفیری‌ها طی کشتار ده‌ها هزار تن از مسلمان و تعداد انگشت‌شماری از خبرنگاران غربی را در دستور کار داشتند اما هیچ تهدیدی در قبال صهیونیست‌ها نداشته‌اند. اسرائیل نیز تکفیری‌ها را خطری علیه خود نمی‌داند و وهابی‌ها نیز هرگز خطری برای اسرائیل نبوده‌اند» (الرشید، ۱۳۹۳: ۳۸؛ پورحسن، ۱۳۹۳).

با توجه به مسائل ذکر شده، بالکانیزه کردن خاورمیانه و تضعیف قدرت نظامی و سیاسی کشور عراق در محیط راهبردی ایران، کاهش دهنده نفوذ منطقه‌ای ایران، گسترش تحرکات تجزیه‌طلبانه در مرزهای ایران و عراق، تامین منابع مالی و نظامی گروه‌های افراطی (مذهبی و اقلیت‌ها) در استان‌های مرزی ایران، تضعیف محور مقاومت، جنگ داخلی کشورهای اسلامی و کاهش توجه به قدرت‌های استعماری بیرونی نظیر رژیم صهیونیستی و آمریکا، امکان استقرار حکومت همسو با سیاست‌های صهیونیستی در کشور عراق و از سرگیری سیاست‌های خصمانه با جمهوری اسلامی ایران (همانند تجربه رژیم بعث و نظامی‌گری صدام حسین) و ... امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر قرار می‌دهد و علاوه بر امنیت مرزهای ایران، ابعاد امنیتی ایران در حوزه‌های سیاسی و نظامی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۲-۲. تضعیف الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران

الهام‌بخشی بنیادی‌ترین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی می‌باشد که عبارت از تشریح و ترویج اهداف، آرمان‌ها، آموزه‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی به مردمان مشتاق در سطح منطقه و جهان است. به‌طوری‌که بیش از آن‌که ناشی از عرضه از سوی جمهوری اسلامی باشد، معلول تمنا و تقاضای ملل دیگر برای شناخت و الگوبرداری از انقلاب اسلامی می‌باشد و از این رو الهام‌بخشی جمهوری اسلامی استعاره‌ای برای اشاعه ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام‌های بخش و آزادی‌بخش آن به انسان‌های علاقه‌مند می‌باشد؛ فرآیندی که الهام‌بخش ملت‌های مسلمان خواهد بود تا به همان غایتی رهنمون شوند که ملت ایران آن را تجربه کرده است. از این رو الهام‌بخشی ماهیتی برون‌گرا می‌یابد که معطوف به محیط پیرامونی و خارجی جمهوری اسلامی، از جمله جهان اسلام است.

الهام‌بخشی، ظرفیت زیادی برای رساندن پیام جمهوری اسلامی ایران در منطقه دارد که به جای مغزها اغلب متوجه قلب‌هاست. رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معطوف به تغییر در الگوهای وابستگی راهبردی به قدرت‌های بزرگ و در پیش گرفتن بی‌طرفی یا عدم تعهد بوده است. نقش رهبر منطقه‌ای، انعکاس هویت جدید ایران در قالب آرمان‌های اسلامی و رهایی‌بخش و نفی سلطه فراسوی مرزهاست. حرکت در این مسیر باعث قدرتمند شدن ایران در پاسخ دادن به تهدیدها و تهاجماتی شده است که برخی از رژیم‌های محافظه‌کار منطقه و قدرت‌های برتر مسلط در نظام بین‌الملل برای ایران داشتند. از این رو، الهام‌بخشی پیوندی از اسلام‌گرایی و ملیت‌گرایی در هویت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که زمینه‌های رهبری منطقه‌ای ایران در جهان اسلام را فراهم می‌نماید. بنابراین، قدرت نرم و الهام‌بخشی نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر غرب و نظام‌های استبدادی منطقه، در آموزه‌های دینی و ملی نهفته در فرهنگ سیاسی شیعه که در جامعه اسلامی ایران گسترش یافته است، ریشه دارد و از این رو با حفظ و تقویت آن می‌توان ضمن افزایش اقتدار نظام، با هر تهدیدی به مقابله برخاست و به مثابه الگویی کارآمد در جهان اسلام مطرح شود که دستاوردهای منطقه‌ای (احیای هویت اسلامی، بیداری اسلامی، تحصیل اهداف ملی، افزایش امنیت پایدار و...) و فرامنطقه‌ای (انقلاب فرهنگی جهانی، چالش‌زایی برای هژمونی فرهنگی غرب، اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی و...) داشته است (قربی، ۱۳۹۴: ۶۳-۵۹). بعد از شکل‌گیری منازعات کشورهای اسلامی در آسیای غربی و میانه با جریان تکفیری، عده‌ای از کشورها نظیر عربستان سعودی و ترکیه که از عمق راهبردی و نفوذ منطقه‌ای ایران نگران بودند، از این گروه‌ها حمایت کردند تا نفوذ و الهام‌بخشی راهبردی ایران در کشورهای منطقه تضعیف گردد (Guzansky, 2011). می‌توان اذعان داشت: «تضعیف محور مقاومت اسلامی از اهداف برنامه‌ریزی شده برای تشکیل خلافت اسلامی در بخش‌هایی از خاک عراق است. مناطقی که داعش تصرف کرده، ارتباط فیزیکی جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را هدف قرار داده است. عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، از عراق تا لبنان است. اینجا منطقه‌ای است که بیشتر آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، هرچند که جمهوری اسلامی ایران با اهل تسنن نیز رابطه ویژه‌ای دارد که حماس، نمونه شاخص آن است. از ویژگی‌های منحصر به فرد شیعیان در خاورمیانه، تمرکز جغرافیایی است که به آنها موقعیت استراتژیک

بخشیده است. حلقه زدن کشورها با جمعیت شیعی به دور ایران به عنوان نظام الهام‌بخش و تاثیرگذار، اهمیت دیگری به موقیعت ژئوپلیتیکی شیعیان می‌دهد. ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیایی سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف با هارتلندی ایران است که در نقشه شماره یک مشخص است.» (متقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

تولید و انتقال مفاهیم و هنجارهای تاثیرگذار در سیاست خارجی ایران از طریق نهادهای اجرایی، کارگزاری و ارتباطی اهمیت و تاثیرگذاری بسیاری در الهام‌بخشی رهبری منطقه‌ای ایران دارند. هرچه سیاست خارجی ایران بیشتر مبتنی بر ادبیات همکاری جویانه باشد، ماهیت واکنش‌ها کمتر مقابله‌ای خواهد بود و الگوی توازن قدرت در منطقه خواهد بود. از این رو، جمهوری اسلامی می‌تواند در کنار افزایش قدرت نظامی و اقتصادی، با استفاده از الگوهای الهام‌بخش و بالا بردن جاذبه‌های فرهنگی و آرمانی، جایگاه موثری در منطقه و جهان بیابد. به طبع کشورها با رویکرد الهام‌بخش در ارتباط با امنیت منطقه‌ای، تمایل چندانی به تغییر در موازنه قدرت و توازن منطقه‌ای ندارند. بنابراین، استدلال آمریکا و حامیان منطقه‌ایش نظیر عربستان، ترکیه و رژیم صهیونیستی تلاش می‌کنند تا ایران را نیروی برهم‌زننده توازن منطقه معرفی کنند در حالی که رویکرد ایران چنین چیزی را نشان نمی‌دهد (رحمانی، ۱۳۹۳: ۴۹۱-۴۸۸).

گروهک داعش در کشور عراق در راستای منافع قدرت‌های جهانی (آمریکا) و منطقه‌ای (رژیم صهیونیستی، عربستان و...) سعی در تضعیف نفوذ ایران در این کشور می‌باشد و تلاش برای تغییر وضع موجود و جایگزینی قدرت سنی-عربی در این کشور برای تغییر موازنه قدرت در کشورهای همجوار ایران می‌باشد. از این رو، جابجایی قدرت در عراق می‌تواند قدرت ایدئولوژیک و فرهنگی ایران را کاهش دهد و الهام‌بخشی فرهنگی و اقتدار منطقه‌ای ایران را تضعیف نماید. کاهش قدرت شیعیان عراق سبب خواهد شد که روابط دو کشور رو به خصومت‌گرایی رود و مرزهای ایران با ناامنی مواجه شد چون امکان حمایت گروه حاکم بر عراق از گروه‌های تجزیه‌طلب و اقلیت‌ها در ایران شود و همین امر، لزوم آمادگی رزمی و نظامی ایران در مناطق مرزی افزایش می‌دهد. در عین حال، کاهش توانمندی ایدئولوژیک و الهام‌بخشی سیاسی و فرهنگی در منطقه بعد از قدرت‌یابی داعش در این کشور می‌تواند اعتبار منطقه‌ای و قابلیت‌های تاثیرگذاری در مراودات سیاسی ایران را بکاهد و هزینه‌های دیپلماتیک و سیاسی زیادی برای بازسازی چهره تخریب شده

ایران توسط داعش نیاز است؛ زیرا این گروه تروریستی با استعانت از ابزارهای دیجیتالی و ارتباطی، سعی در تخریب چهره ایران در جامعه اسلامی دارد و خواستار نشان دادن چهره‌ای فرصت‌طلب و ضد اهل سنت در منطقه هستند و این سیاه‌نمایی‌های رسانه‌ایی داعش می‌تواند در کشورهای منطقه نوعی احساس خطر به وجود آورد و هراس بنیادین از سیاست‌های ایران، همیاری کشورهای عربی منطقه با عربستان، بحرین و ... در فرایند اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را افزایش دهد.

از این رو، در صورت فرض قدرت‌یابی سیاسی داعش در عراق، منطقه‌گرایی ایران در عرصه سیاست خارجی تضعیف می‌شود و هم‌پیمان راهبردی ایران به واسطه مرزهای سرزمینی و فرهنگی به تهدیدی مهم برای ایران تبدیل خواهد شد؛ زیرا گروه‌های تکفیری-تروریستی در راستای منافع رژیم صهیونیستی و غرب گام برمی‌دارند و به شدت با سیاست‌های منطقه‌ای ایران مخالف هستند و این موضوع به تنگ‌شدن محیط راهبردی و الهام‌بخشی رهبری منطقه‌ای ایران منجر می‌شود. در عین حال، عمق راهبردی غرب و صهیونیست‌ها در منطقه به دلیل کاهش قدرت بین‌المللی محور مقاومت نیز افزایش می‌یابد و همین موضوع، منافع ملی ایران را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا موازنه قوا و قدرت منطقه‌ای به سمت و سوی قدرت‌های ارتجاعی منطقه و اتحاد استراتژیک آمریکا با رژیم صهیونیست‌ها سوق می‌یابد که این جریان، مخالف کنشگری منطقه‌ای و نقش رهبری منطقه‌ای ایران است و در صورت امکان، خواستار تغییر نظام سیاسی در ایران هستند.

۲-۳. تهدیدات فزاینده در نواحی مرزی بین ایران و عراق بعد از قدرت‌یابی مجدد داعش

مرزها در مسایل مربوط به امنیت ملی، پدیدآورنده بحران‌اند و در صورت وجود اختلافات مرزی ریشه‌دار، امنیت ملی به شدت مورد تهدید قرار می‌گیرد. جهت ایجاد امنیت مرزها، نقش قومیت‌های ساکن در حاشیه مرزها بسیار حایز اهمیت می‌باشد (پیشگاهی‌فرد و امیدی، ۱۳۸۸: ۴۸). این موضوع در حالی است که جایگاه جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی ایران در زمان بروز بحران‌های منطقه‌ای و گسترش نیروهای گریز از مرکز در کشورهای همسایه ایران را پیچیده کرده است؛ اقوام گوناگون و اقلیت‌ها

در نواحی مرزی ایران اسکان دارند که ارتباط آنها با بیرون از مرزها باعث می‌شود که هرگونه بحران منطقه‌ای و بیرونی بر مرزها و نواحی مرزی ایران تاثیر بگذارد. در این میان، وجود ناسیونالیسم کردی در کشور عراق و مرزها ایران، این تاثیرگذاری را بیشتر می‌سازد (شکری، ۱۳۹۴: ۱۶۵۷).

این موضوع در حالی است که داعش در تبلیغات رسانه‌ای خود، مناطق هدف خویش را بر استان‌های کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و بلوچستان قرار داده است. باید دانست که حرکت داعش از سوی بسیاری از نخبگان اسلام‌گرای این مناطق به عنوان دادخواهی و مظلومیت اقلیت اهل سنت عراق توسط دولت شیعه عراق تعبیر می‌شود و با توجه به بستر مناسب این فعالیت‌ها در ایران نیز با توجه به وضعیت فعلی اهل سنت از یک سو و پیوستگی سرزمینی و همچنین شکاف‌های زبانی باعث رشد بیش از پیش این تحرکات خواهد شد. اکنون داعش در منطقه‌ای به طول بیش از هزار کیلومتر با اقلیم کردستان عراق هم مرز است و با توجه به سابقه و نفوذ جریان‌های سلفی-تکفیری در کردستان عراق، پذیرش اندیشه‌های سلفی در نواحی مرزی ایران افزایش یابد. منطقه اورامان و گرمیان کردستان عراق از مناطق نفوذ جدی جریان‌های سلفی - تکفیری کردستان عراق است و اتفاقاً هر دو این مناطق با جمهوری اسلامی ایران هم مرز است (جلیلی و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۲۲). این موضوع در حالی است که اقلیم کردستان عراق بعد از قدرتیابی داعش در کشورهای منطقه و علی‌الخصوص عراق از اقدامات گروه‌هایی نظیر کومله، حزب دموکرات، پژاک و سایر گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند و سعی دارند امتیازاتی از ایران در برابر دولت عراق کسب نمایند. حمایت‌های مالی و نظامی از این گروه‌های تروریستی، وضعیت مرزهای ایران را می‌تواند بحرانی نماید که بر امنیت اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی و نظامی ایران تاثیرگذار خواهد بود.

با وجود این مسئله، افزایش تسلیحات در منطقه و راحت شدن دستیابی به سلاح برای گروه‌های تروریستی بعد از کنش‌های داعش در عراق و حمایت داعش از گروه‌های تجزیه‌طلب در مرزهای ایران، تهدیدات مرزی ایران را افزایش و هزینه‌های نظامی و دفاعی ایران را می‌افزاید و علاوه بر مخاطرات ارضی، امکان گسترش تفکرات افراطی را در استان‌های مرزی ایران به وجود خواهد آورد که دوگانگی میان این گروه‌ها و مردم شیعی، امنیت اجتماعی را مختل خواهد ساخت.

۴-۲. تضعیف گفتمان شیعی و قدرت‌یابی جریان‌های افراطی در کشورهای همسایه ایران

تقویت گفتمان شیعی در منطقه و تقویت دولت شیعی در عراق به شدت مجموعه امنیتی محور مقاومت و ضریب امنیتی ایران را افزایش می‌دهد و در نقطه مقابل، قدرت گرفتن گفتمان سنی و وهابی در کشورهای مجاور ایران سبب انزوای ایران و کم شدن توانایی جریان مقاومت و هم‌پیمانان منطقه‌ای ایران می‌شود (آدمی و کشاورز، ۱۳۹۴: ۱۷). با توجه به این مسائل است که گروه تروریستی داعش به عنوان یک جریان افراطی سنی مذهب، یکی از اهداف اصلی خود را تضعیف و حذف گفتمان شیعی در عراق تعریف نموده است و به همین دلیل، به شدت از سوی احزاب و گروه‌های شیعی در عراق و شیعیان علوی مطرود شده است. داعشی‌ها در بدو حمله و ورود نظامی خود به شهرهای شیعی نشین، اقدام به ترور نظامیان و افراد شاخص شیعی و تخریب اماکن شیعیان نمودند. در حال حاضر آنها در کنار گروه‌های بعثی و برخی سران و قبایل عشایری سنی مذهب، علیه حکومت شیعی عراق وارد جنگی تمام عیار شده‌اند (رضایان، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۲). در همین راستا، داعش مترصد تا نظم شیعی در منطقه را دگرگون سازد و به جای گفتمان سیاسی شیعی-اسلامی بتواند گفتمان سنی-عربی را تقویت نماید و این مهم، مورد توجه غرب و دولت‌های رقیب ایران نظیر رژیم صهیونیستی، عربستان، قطر و... است.

ایران به عنوان یک کشور شیعی از اهمیت ویژه و قدرت نفوذ بالایی در منطقه برخوردار است. داعش همانند دیگر کشورهای عرب سنی بر این باور است که ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی و داعش به کار گیرد. از این رو، حمایت ایران را از حکومت شیعی در عراق، حکومت اسد در سوریه، حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن و اکثریت مردم بحرین و ... را منافی با فعالیت و اهداف توسعه خود در منطقه می‌بینند؛ بنابراین جریان‌های تکفیری در صدد هستند در جهت عمل به ایدئولوژی واهی و خشن خود (مرتد دانستن شیعه و اعلام جهاد مسلحانه علیه آنان)، ضمن ناآرامی در مناطقی از ایران (به ویژه مناطق سنی‌نشین در مرزهای کشور) با از بین بردن حرکت ارتباطی هلال شیعی در منطقه، عمق استراتژیک ایران را در منطقه از بین ببرد (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۲۵۷). در همین راستا، رهبران عربستان سعودی و قطر با حساسیت نسبت به گفتمان شیعی باور دارند که روی کار آمدن یک رژیم سنی در عراق می‌تواند، قدرت شیعیان منطقه را که به ایران

نزدیک هستند محدود و در نتیجه وزن استراتژیک منطقه‌ای آنها را در مقابل ایران که در دهه گذشته از افزایش قابل توجهی در منطقه برخوردار شده است، افزایش دهد. در واقع برای دولت‌های عربستان سعودی و قطر، شورش‌های اخیر فرصتی در راستای خارج نمودن عراق از صف متحدین ایران و در نقطه مقابل افزایش نقش منطقه‌ای آنها در شرق مدیترانه در راستای تغییر موازنه به نفع خود و به ضرر ایران، است (Hassan, 2013: 17-18). لاجرم، برهم زدن تعادل سیاسی-امنیتی در عراق توسط جریان‌های تکفیری عاملی برای ناکام گذاشتن جریان به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و تشدید درگیری‌های شیعه و سنی در عراق به ضرر موقعیت ژئوپلیتیکی و گفتمان شیعی ایران می‌باشد (مبینی و طالعی، ۱۳۹۴: ۷۹). در صورت بازگشت فیزیکی داعش به عراق و تحقق اقلیم سنی-سلفی در عراق می‌توان به گزاره‌های زیر را متصور شد؛

الف. تأثیر بر موازنه تهدید منطقه‌ای در تقابل با عربستان سعودی،

ب. تضعیف مثلث راهبردی ایران، سوریه و حزب الله،

پ. تأثیر بر بخش‌های سنی‌نشین جمهوری اسلامی ایران،

ت. احتمال حملات مسلحانه در نواحی مرزی ایران توسط گروه‌های تکفیری،

ث. تأثیر بر روند تعاملات اقتصادی میان ایران و عراق،

ج. شکل‌گیری عنصر مجاورت تهدید (کرمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۳۷-۱۱۳۲).

به هر روی، توضیحات فوق گواهی از ضدیت جریان سنی-وهابی منطقه به همراه قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر رژیم صهیونیستی و آمریکا با گفتمان شیعی-اسلامی حاکم بر کشورهای همسایه جمهوری اسلامی است و یکی از محوری‌ترین اهداف مداخله‌جویان غربی در راستای کنشگری داعش در کشور عراق، حاکم ساختن نظم سنی و تضعیف تشیع در معادلات سیاسی منطقه‌ای است؛ زیرا گفتمان شیعه در تقابل با گفتمان سازش قرار دارد و مواضع سرسختی در برابر جریان‌های ارتجاعی و وابسته به غرب و رژیم منحوس صهیونیستی دارد که همین موضوع، تهدیدی برای موجودیت این رژیم و هم‌پیمانان آمریکا در منطقه می‌باشد. در نقطه مقابل، در صورت تحقق فرضی حاکمیت سلفی-سنی در کشور عراق و همسایه‌های ایران، قدرت منطقه‌ای ایران کاهش می‌یابد و امنیت ملی ایران دائماً از سوی این کشورها تهدید می‌شود؛ زیرا آنها از تجزیه‌طلبان و تفکرات افراطی برخی از اقلیت‌ها در ایران حمایت می‌کنند.

۵-۲. ازدیاد تجهیزات نظامی و نیروهای مسلح قدرت‌های بزرگ در مجاورت مرزهای ایران

روابط داعش و آمریکا را می‌توان این‌گونه تشریح کرد که این رابطه در صحنه عملیات وجود دارد و در نگاه استراتژیک آمریکا نیز ارتباط با این گروه‌ها در بسیاری از این موارد و برای حل بعضی از پرونده‌های پیچیده، فرصت تلقی شده است. آمریکایی‌ها در یک جمع‌بندی اطلاعاتی اعلام کردند که عراق تا سال ۲۰۳۰ درگیر فروپاشی مطلق خواهند بود و در حد فاصل ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ این گروه‌های غیررسمی و شورشی هستند که تحولات عراق را رقم می‌زنند. با این وصف ارتباط دولت آمریکا با این گروه‌ها کاملاً بدیهی و ضروری می‌گردد. آمریکا به داعش و گروه‌های مشابه آن به عنوان یک فرصت برای ایجاد یا بازسازی نظم قبلی حول محور آمریکا اما نه برای مقابله با بحران‌های تروریستی بلکه برای تثبیت موقعیت و منافع محوری خود در شرایط متحول جهانی نگاه می‌کند. بر این اساس، مک‌کین و لیندزی گراهام تاکید داشتند که «مبارزه با داعش مستلزم سربازان بیشتر و تجهیزات و منابع گسترده‌تر است و آمریکا نیازمند تغییر سیاست درباره داعش از تلقی فرصت به تلقی تهدید است» (زارعی، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۲).

بر اساس طرح لسللی گلب و جوزف بایدن در ماه می سال ۲۰۰۶ میلادی آن را ارائه کردند عراق می‌بایست به سه منطقه خودمختار کردنشین، شیعه‌نشین و سنی‌نشین، تحت نظر یک حکومت مرکزی در بغداد تقسیم شود، گلب به نمایندگان توضیح داد که واشنگتن باید حامیان خارجی تندروهای سنی در عراق را به همکاری فرا بخواند و ضمن تعریف منافع مشترک، هزینه مالی و همچنین هماهنگی‌ها و همکاری‌های بعدی را نیز بر دوش آنها بگذارد. فعلاً شیعیان به طور طبیعی و با تکیه بر اکثریتی که دارند، حکومت را از دست می‌گیرند، اما سنی‌ها نمی‌خواهند پس از صدها سال تسلط بر عراق، قدرت را از دست بدهند و کردها نیز نمی‌خواهند استقلال پانزده ساله خود را از دست بدهند. تا زمانی که ارتش آمریکا در عراق حضور دارد، شورش‌ها قوی نخواهد بود و آمریکا موظف است با آنها مقابله کند. پس برای بزرگ‌تر شدن امواج، باید ارتش را بازگردانیم. بخش اعظمی از پروژه را نیروهای افراطی منطقه انجام خواهند داد و این طرح در کنگره تصویب شد و آمریکا ملزم به آن شد.

از اهداف مهم این طرح که تهدیدکننده منافع و امنیت ملی ایران بود عبارتند

از؛ مقابله با نفوذ ایران در عرصه سیاسی عراق، کمرنگ‌تر کردن سیاست بعثی‌زدایی و بازگرداندن اقلیت‌های قومی و مذهبی به ویژه اعراب سنی به روند سیاسی در سطح محلی و در نهایت تشکیل یک گروه تماس با کشورهای منطقه و سازمان ملل متحد برای آماده کردن آنها جهت احترام گذاشتن به تقسیمات و مرزهای فدرالی عراق. بر طبق اسنادی که روزنامه‌های عربی و غربی منتشر کردند آنهایی که ابتدا با شلیک خمپاره و مسلسل و کاشتن مین و بمب، هر چند ماه یک بار، گاهی به سربازان و خودروهای ارتش آمریکا حمله می‌کردند و هر روز زنان و کودکان و مغازه‌های شهروندان غیرنظامی عراق را به خاک و خون می‌کشیدند، در یک فرایند زمانی سازماندهی شده و فقط به شخصیت‌ها و گروه‌های نزدیک به ایران و طبق معمول، به شهروندان غیرنظامی و غالباً شیعه حمله می‌کردند. دیگر حتی یک مورد حمله به سربازان، تاجران و دیپلمات‌های امریکایی صورت نگرفت و با جذب تکفیری‌هایی که خود را منفجر می‌کردند، نطفه داعش بسته شد و سیل کمک‌های تسلیحاتی و مالی از مرزهای ترکیه و اردن به سوی آنها سرازیر شد و آمریکا به خوبی آنها را از نظر نظامی، تسلیحاتی و مالی تغذیه نمود (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۳۷).

باراک اوباما در دهم ژوئن ۲۰۱۴ از کنگره درخواست ۵۰۰ میلیون دلار برای تجهیز نظامی و مالی شورشیان داعشی نمود و در عین حال، راهبرد ناتو در کشور عراق و سوریه نیز تجهیز نظامی و تسلیحاتی شبه نظامیان و شورشیان گشت (التامی‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۹-۷۸). این روند حضور نظامی آمریکا به بهانه مقابله با تروریسم و حفظ ثبات در خاورمیانه، تجهیز نمودن گروه‌های تروریستی توسط غرب در محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران و تحریک قومیت‌ها در نواحی مرزی ایران و سهولت در تامین منابع تسلیحاتی آنها از تهدیدات مهم امنیتی ایران بعد از تحولات گروه‌های تروریستی در کشور عراق می‌باشد.

نتیجه

مقاله حاضر تلاش نمود تا به بررسی تبعات امنیتی حضور مجدد و قدرت‌یابی گروه تروریستی داعش در کشور عراق بر امنیت ملی ایران بپردازد و به همین منظور در بخش اول مقاله، مفهوم امنیت ملی مورد مذاقه قرار گرفت و نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای برای بررسی تاثیر گروه تروریستی داعش بر جمهوری اسلامی ایران تبیین گشت. بر اساس این نظریه، به دلیل مجاورت و همسایگی با ایران، قرار گرفتن این دو واحد در یک

مجموعه امنیتی، حضور قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر آمریکا، روسیه، چین، رژیم صهیونیستی، عربستان، ایران و ... در مجموعه امنیتی آسیای غربی، ارتباط متقابل امنیتی میان ایران و عراق و ...، دو کشور ایران و عراق در یک مجموعه امنیتی قرار دارند و هر گونه بی‌ثباتی و ناامنی در هر کدام از این کشورها، بر دیگری اثر می‌گذارد و به عبارتی، ناامنی‌های امنیتی قابلیت سرایت به کشور مجاور را پیدا می‌کنند. البته نقطه مقابل آن هم صادق است؛ یعنی ثبات، اقتدار و امنیت پایدار در هر کدام از این کشورها برای کشورها همسایه هم تأثیرات مثبتی به همراه خواهد داشت. لاجرم، حضور گروه داعش در کشور عراق به عنوان یک تهدید امنیتی، بر جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که می‌تواند ابعاد امنیتی ایران را تحت تأثیر خویش قرار دهد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که کنشگری داعش در کشور عراق نیز پیامدهای امنیتی زیرا را برای ایران خواهد داشت؛ بهانه لازم را به قدرت‌های جهانی می‌دهد تا به خاورمیانه لشکرکشی نظامی کنند و به بهانه مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی که نظم منطقه را برهم ریخته است، در کشورهای غیرهمسو با سیاست‌های خود، مداخله نمایند و به آنها امکان چپاول سرمایه‌های این کشورها را می‌دهد و در عین حال، محیط منطقه را آغشته از تسلیحات نظامی می‌نمایند؛ زیرا ناامنی‌های منطقه‌ای فرصتی مناسب برای شرکت‌های نظامی غرب است تا محصولات خویش را با قیمت‌های گزاف به فروش برسانند و از ناامنی‌ها حداکثر بهره‌برداری اقتصادی را ببرند. البته این موضوع، می‌تواند به توانمندی نظامی گروه‌های تجزیه‌طلب در مرزهای ایران منجر شود. در عین حال، تحرکات داعش در راستای تضعیف قدرت شیعی-اسلامی در منطقه می‌باشد؛ تصویرسازی‌های منفی داعش از شیعه و گفتمان جمهوری اسلامی ایران در اذهان و افکار عمومی باعث شده تا بی‌اعتمادی نسبت به الگوی مردم‌سالاری و نظم شیعی در منطقه به وجود بیاید و در عین حال، نظم سلفی-وهابی در منطقه ترویج شود که در تقابل با اسلام ناب محمدی (ص) قرار دارد. این موضوع، موازنه قدرت منطقه‌ای را به نفع عربستان، ترکیه و رژیم صهیونیستی می‌نماید و از قدرت استراتژیک و الهام‌بخشی ایران در کشورهای منطقه می‌کاهد. علاوه بر این، اجرای طرح بالکانیزه کردن عراق توسط بازوی اجرایی غرب (یعنی داعش) سبب ناامنی مرزهای ایران می‌شود و گروه‌های تجزیه‌طلبانه و جدایی‌طلب را فعال می‌نماید و امکان تأثیرپذیری استان‌های سنی‌نشین ایران افزایش می‌یابد. *

کتابنامه

منابع فارسی

ابراهیمی، نبی‌الله و دیگران. (۱۳۹۴). «بیداری اسلامی و امنیت هستی‌شناختی رژیم صهیونیستی: گفتمان انسداد در خاورمیانه»، پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، ۱ (۱). صص ۸۹-۱۰۹.

اکبری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). «چگونگی نقش‌آفرینی داعش در مناسبات سیاسی خاورمیانه»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۷ (۱). صص ۱-۲۶.

ایوب، محمد. (۱۳۹۴). *خاورمیانه نواز فروپاشی تا نظم‌یابی*. ترجمه مهدی زیبایی و سجاد بهرامی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ایزدی، جهانبخش و حمیدرضا اکبری. (۱۳۹۵). «اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، (۳۵). صص ۴۵-۶۷.

آدمی، علی و الهام کشاورز. (۱۳۹۴). «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۴ (۱۴). صص ۱-۱۹.

آذرشب، محمدتقی. (۱۳۹۴). «الزامات امنیت منطقه‌ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه»، دوماهنامه رصد چشم‌انداز ایران و جهان، (۲). صص ۶-۱۵.

آشوری، داریوش. (۱۳۸۵). *دانشنامه سیاسی*. تهران: انتشارات مروارید.
برزگر، کیهان. (۱۳۸۶). *سیاست خارجی ایران در عراق جدید*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

بوزان، باری. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوزان، باری و الی ویور. (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل*. ترجمه

- رحمان قهرمان‌پور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیلگین، پینار. (۱۳۹۳). *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه*. ترجمه عسگر قهرمان‌پور. تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- پورحسن، ناصر. (۱۳۹۳). «داعش و ژئوپلیتیک مقاومت اسلامی»، *فصلنامه مطالعات فلسطین*، (۲۶)، صص ۸۰-۴۶.
- پوستین‌چی، زهره. (۱۳۸۷). «گذار از کمربند شکننده: بازسازی امنیت همیارانه در خلیج فارس»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۴ (۱)، صص ۱۵۰-۱۳۰.
- التامی‌نیا، رضا. (۱۳۹۲). «تبیین نقش قدرت‌های منطقه‌ای در منطقه شامات و چشم‌انداز پیش‌رو»، *فصلنامه بیداری اسلامی*، ۲ (۴)، صص ۹۴-۶۳.
- جلالی، سعید و محمدنبی ابراهیمی. (۱۳۹۳). *امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر و تأثر احزاب سلفی-تکفیری کردستان عراق و کردستان ایران*. تهران: مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور.
- روشندل، جلیل. (۱۳۷۴). *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*. تهران: انتشارات سمت.
- رحمانی، هما. (۱۳۹۳). «نشانه‌های الهام‌بخشی در رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، ۴۴ (۳)، صص ۵۰۲-۴۸۳.
- الرشید، مضاوی. (۱۳۹۳). *عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید*. ترجمه رضا نجف‌زاده. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رضایان، احد. (۱۳۹۴). «پایگاه اجتماعی داعش در عراق و آینده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، ۱۷ (۱)، صص ۷۹-۵۳.
- زارعی، سعدالله. (۱۳۹۳). «دوستی و دشمنی آمریکا و داعش»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۵ (۵۷)، صص ۴۹-۳۱.
- ساداتی‌نژاد، سیدمهدی. (۱۳۹۵). «نقش ایالات متحده آمریکا در شکل‌گیری جریان‌های افراطی در جهان اسلام مطالعه موردی القاعده و داعش»، *فصلنامه اندیشه سیاسی اسلام*، ۳ (۷)، صص ۱۴۳-۱۲۳.
- سواده‌رودی، مصطفی. (۱۳۹۳). «گروهک تروریستی داعش؛ برآیند تنازعات و ناامنی‌های منطقه»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، ۱۳ (۴۵)، صص ۱۰۸-۸۹.
- سمیعی، علیرضا و ایمان شریف. (۱۳۹۵). «واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در

سوریه و عراق»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، (۱۸). صص ۱۸۸-۱۶۱.
سنایی، اردشیر و مونا کاویانپور. (۱۳۹۵). «ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹ (۳۴). صص ۱۶۶-۱۴۵.
سورتچی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران بر امنیت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، ۲۲ (۸۵). صص ۲۱۵-۱۸۳.
سهرابی، محمد و دیگران. (۱۳۹۵). «کالبدشناسی احزاب و گروه‌های سیاسی عراق و تاثیر آنها بر روابط ایران و عراق»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، (۳۴). صص ۱۹۶-۱۶۷.

شکری، شمس‌الدین. (۱۳۹۴). «خودگردانی شمال عراق و تاثیرات آن بر واگرایی و همگرایی اقوام کرد ایران»، *مجموعه مقالات همدلی اقوام ایرانی*، سنندج: دانشگاه کردستان.
شیهان، مایکل. (۱۳۸۸). *امنیت بین‌الملل*. ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

طارمی، کامران. (۱۳۹۴). «تحلیلی بر عوامل پیدایش و رشد سریع دولت اسلامی در سوریه و عراق»، *فصلنامه حبل‌المتین*، ۷ (۳۰). صص ۲۱۴-۱۷۱.

عباسی، محمود. (۱۳۹۳). «سنخ‌شناسی داعش»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۵ (۵۸). صص ۱۲۰-۹۳.

غرایق‌زندی، داود و اصغر شاکری. (۱۳۹۳). «تأثیر مسائل راهبردی در روابط ترکیه و عراق، بر ملاحظاتی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، ۱۳ (۴۵). صص ۸۷-۶۷.

قربی، محمدجواد. (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های الهام‌بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۴ (۱۶). صص ۸۴-۵۳.

کرمی، بهمن و دیگران. (۱۳۹۵). «شکل‌گیری ژئوپلیتیک اقلیم سنی در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مجموعه مقالات همایش بحران‌های ژئوپلیتیک در جهان اسلام*، تهران، موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.

کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۰). «تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، ۹ (۳۴). صص ۷۲-۴۷.

لیک، دیوید و پاتریک مورگان. (۱۳۸۱). *نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت‌سازی در جهانی*

نوبین، ترجمه جلال دهقانی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مبینی، زهرا و رهبر طالعی. (۱۳۹۴). «تبیین ظهور داعش و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، ۱۴ (۴۹). صص ۸۸-۶۱.

متقی، افشین و دیگران. (۱۳۹۲). «بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی در مفهوم‌سازی هلال شیعی»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، ۱ (۳). صص ۱۶۷-۱۴۷.

نوروزی، محمدتقی. (۱۳۸۵). *فرهنگ دفاعی-امنیتی*. تهران: انتشارات سنا.

محمدیان، علی و قاسم ترابی. (۱۳۹۴). «بسترها و عوامل موثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، ۲۴ (۹۳). صص ۲۳۰-۲۱۸.

مرادی، اسداله و امیرمسعود شهرام‌نیا. (۱۳۹۴). «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۴ (۱۵). صص ۱۵۲-۱۲۵.

مسجدجامعی، محمد. (۱۳۹۵). *ایران و جهان عرب: تحولات ژئوپلیتیک ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات.

نجات، علی. (۱۳۹۴). *کالبدشکافی داعش (ماهیت، ساختار تشکیلاتی، راهبردها، و پیامدها)*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

پیشگاهی‌فرد، زهرا و مریم امیدی. (۱۳۸۸). «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۵ (۱۴). صص ۷۱-۴۸.

منابع انگلیسی

- Basol, D. (2011). Arab Spring and Israeli Security: The New Threats. *Alternative Politics*, 3 (3).
- Buzan, B and O. Weaver. (2003). *Regions and power; the structure of International security*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cockburn, P. (2015). *The Rise of Islamic State ISIS and the New Sunni Revolution*. London: Verso Books Press.
- Dunne, P. F. (2008). *Peace, War and International Security: Economic Theories School of Economics*. Bristol: University of the West of England.
- Esisc, T. (2011). Israel: Security Analysis: The Implications of the Arab Spring on Israel's security, *European Strategic Intelligence and Security Center*.
- Esposito, J. (1990). *The Iranian Revolution: its Global Impact*, Miami/Florida: International University Press.
- Guzansky, Y. (2011). Saudi Activism in a Changing Middle East. *Strategic Assessment*,

14 (3).

- Harders, C and M. Legrenzi. (2008). *Beyond Regionalism? Regional Cooperation, Regionalism and Regionalization in the Middle East*. USA: Ashgate Publishing Company.
- Hassan, H. (2013). The Gulf States: United against Iran, divided over Islamists, in *The Regional Struggle for Syria*, The European Council on Foreign Relations.
- Hersh, S. M. (2004). Israel Looks to Kurd: Annals of National Security. *NewYorkers*. 28 Jun.
- Hoagland, J. (2005). *The Gulf States and Regional order*. London: Demos.
- Hoffmann, S. (1981). Security in the Age of Turbulence: Means of Response in *Third World Conflict and International Security*. Part II, Adelphi Papers, No 167.
- Hwang, K. (2008). New thinking in measuring national power. *WISC Second Global International Studies Conference*.
- Iqbalur, R. (1992). *National security and the problems of unconventional warfare*. Delhi: Kanishka Publishing House.
- Kelly, R. E. (2007). Security Theory in the New Regionalism. *International Studies Review*, 9 (2).
- Lim, R. (2014). Terrorists, Insurgents, and Lessons of History, *National Security Watch*, the Institute of Land Warfare, 22 December.
- Lippman, W. (1943). *Us Foreign Policy: Shield of Republic*. United States.
- Smith, M. (2001). Regions and Regionalism. in *World Politics*, Basingstoke: Palgrave.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی